

شاخص‌سازی «تبعیض اقتصادی» به عنوان زمینه‌ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران

نویسندگان: مرتضی عزتی^۱، اله مراد سیف^۲
و مجتبی ملکی شهریور^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۱/۲۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲

چکیده

وجود تبعیض اقتصادی در نظام اسلامی، به عنوان یک الگوی رقیب نظام سلطه می‌تواند نظام را ناکارآمد جلوه داده و زمینه‌ساز شکل‌گیری تهدید نرم اقتصادی شود. از مسائل مهم در جمهوری اسلامی ایران، داشتن تعریف روشن از تبعیض اقتصادی و مشخص نمودن ابعاد و شاخص‌های قابل سنجش آن است؛ به گونه‌ای که بر آن اساس، بتوان وضعیت و عملکرد مدیریت اقتصادی کشور را در زمینه گسترش عدالت و رفع تبعیضات اقتصادی مورد ارزیابی قرار داد. در این مقاله، تلاش گردیده تبعیض اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران شاخص‌سازی شده و شاخص مذکور برای استان‌های مختلف، اندازه‌گیری شود. دوره زمانی این بررسی، سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ را در بر می‌گیرد. در این پژوهش، تبعیض اقتصادی بر مبنای قانون اساسی و عدم رعایت نیازها و استعدادهای (ظرفیتهای) استانها در تخصیص امکانات و درآمدهای ملی به هر استان تعریف شده است که خود بر بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد، استان‌هایی که به زیان آنها بیشترین تبعیض ترکیبی به کار برده شده است، به ترتیب استان‌های خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، مرکزی، اصفهان، کرمان، فارس، قزوین، زنجان و آذربایجان غربی هستند و استان‌هایی که به سود آنها بیشترین تبعیض به کار برده شده است، به ترتیب استان‌های گیلان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، بوشهر، خراسان شمالی، کرمانشاه، سمنان، چهارمحال و بختیاری و مازندران می‌باشند. همچنین در میان برنامه‌های توسعه کشور در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، برنامه دوم توسعه کمترین تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای را به دنبال داشته و پس از آن، به ترتیب برنامه چهارم، سوم و اول توسعه قرار دارند.

واژگان کلیدی:

تبعیض اقتصادی، تبعیض بین منطقه‌ای، تهدید نرم اقتصادی، بودجه جاری، بودجه عمرانی

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس mezzati@modares.ac.ir

۲. دانشیار اقتصاد بین الملل دانشگاه جامع امام حسین(ع) seif.1338@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین(ع) (نویسنده مسئول)

mojtabamaleki38@yahoo.com



مقدمه

نظام جمهوری اسلامی به دلیل داشتن ایدئولوژی الهی با نظامهای مادی گرا، به‌ویژه نظام سرمایه‌داری، بر سر رقابت و منازعه است. این منازعه در تمام ابعاد بین دو نظام از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی وجود داشته است. از آنجا که نظام سلطه جهانی در شکست نظام اسلامی در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله جنگ تحمیلی هشت‌ساله ناکام بوده است، ناکارآمد نشان دادن نظام جمهوری اسلامی را -به‌ویژه در حوزه اقتصاد- در دستور کار خود قرار داده است. در این راستا، تحریمهای اقتصادی، تجاری، مالی و نفتی به صورت موانعی برای توفیق کشور در غلبه بر مشکلات اقتصادی و دستیابی به سطح مطلوب پیشرفت، بر کشور و ملت ما تحمیل شده است.

اگرچه در حوزه تهدیدات سخت و نیمه‌سخت اقتصادی، به دلیل مشخص بودن این رویارویی، مردم ایران در مواجهه با مشکلات پیش رو همواره با مسئولان نظام همراه و همدل بوده‌اند و یکپارچگی نظام و مردم، مانع از ناکارآمد نشان دادن نظام در صحنه بین‌المللی بوده است، آنچه نگران‌کننده است، اجرای سیاستها و برنامه‌هایی در داخل است که زمینه شکل‌گیری تهدید نرم را در حوزه‌های اقتصادی فراهم می‌سازد.

در تعریف تهدید سخت و نرم، تلقی واحدی وجود ندارد. برخی تهدیدات نرم را تهدیداتی غیرنظامی، مانند تهدیدات محیط‌زیست، جرائم، فساد و... دانسته‌اند (گروه مطالعاتی، ۱۳۸۸: ۹۴) برخی تلقی دیگری از تهدید نرم دارند و آن را از دو نظر قابل بحث می‌دانند:

۱- از نظر ابزار و شیوه‌های تهدید؛ در برخی از تهدیدها ابزارها و شیوه‌های تهدید، سخت و توأم با زور و اجبار است، مانند تهدید نظامی یا تحریم اقتصادی؛ در مواردی ابزار یا شیوه‌های مورد استفاده نرم و غیرخشونت‌آمیز است، مانند استفاده از رسانه، تعلیم و روش اقناع.

۲- از نظر هدف و سوژه تهدید؛ در برخی موارد، هدف تهدیدکننده موضوعات سخت و عینی است، مانند تخریب اماکن و تأسیسات نظامی و سیاسی، کشتن انسانها و... اما در مواردی دیگر، ممکن است هدف تهدیدکننده تغییر نگرشها، افکار و علایق افراد یا جامعه باشد (گروه مطالعاتی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

اگر چه تهدید نرم نیز مانند تهدید سخت در ابعاد مختلفی می‌تواند شکل گیرد، تجلی و نمود آن در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیشتر است.



تهدید نرم در حوزه اقتصادی، هرگونه اقدام رسانه‌ای، فرهنگی و تبلیغی از جانب دشمن است که ناتوانی دولت را در تأمین نیازها و رفاه اقتصادی مردم القا کند و نیز اقداماتی است که الگوی توسعه غیر بومی را حاکم ساخته یا فرهنگ حاکم بر اقتصاد را به گونه‌ای مغایر با مبانی ارزشی تغییر دهد یا موجب رسوخ نظریه‌های جدید اقتصادی مبتنی بر لیبرالیسم شود (سیف، ۱۳۸۸: ۶۲).

تهدید نرم اقتصادی، مفهوم جدیدی است که وارد ادبیات اقتصادی شده است که با توجه به تعاریف ارائه شده، به هر پدیده اقتصادی غیرخوشونت‌آمیزی گفته می‌شود که ارزشها و هنجارها را مورد هجوم قرار دهد و در نهایت، با تغییر الگوهای رفتاری، الگوهای جدیدی را ایجاد کند که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض دارند.

تحلیل فرمایشات حضرت امام خمینی (ره)، روشن می‌کند تهدید نرم اقتصادی از طریق اشرافیگری مسئولان و کاهش اعتماد مردم نسبت به دولت و کارگزاران و همچنین با امتیاز یافتن صاحبان مال و منال و نفوذ ثروتمندان به خاطر تمکن مالی خود در حکومت و حکمرانان و اداره‌کنندگان کشور اسلامی به شکل تبعیض، خود را در سطح وسیعی نشان می‌دهد؛ از این رو پدیده تبعیض اقتصادی، به مثابه زمینه‌ساز تهدید نرم اقتصادی می‌تواند به یکپارچگی نظام و مردم در رویارویی با نظام سلطه آسیب وارد کرده و سرانجام، نظام جمهوری اسلامی را به عنوان یک الگوی رقیب نظام سلطه ناکارآمد جلوه دهد.

محرومیتها، نابسامانی‌ها، تبعیضها و بیکاری‌ها به عنوان بخشی از مصادیق ابزارهای تهدیدهای نرم اقتصادی در زمینه رفتار کارگزاران، فساد و استثمار و حقارت مسلمین و فقر و درماندگی ملتها به‌رغم داشتن منابع سرشار، از مصادیق اهداف تهدید نرم اقتصادی در زمینه الگوی توسعه می‌باشند (سیف، ۱۳۸۸).

در زمینه لزوم برخورد با تبعیض در جمهوری اسلامی ایران، مرور اسناد بالادستی و فرمایشات مقام معظم رهبری، موارد مهمی را آشکار می‌سازد. در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تصریح شده است. مطابق اصل چهارم و هشتم قانون اساسی در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد؛ به‌طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل سوم و اصل چهارم و هشتم).



در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، از جمله اهداف اقتصادی تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کار هستند اما وسایل کار ندارند و تحقق حق داشتن و انتخاب شغل برای همه، رفع تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی، در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، توزیع سرمایه و امکانات لازم بین مناطق، به صورتی که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود آنها را در دسترس داشته باشد و رفع فساد و تبعیض از جامعه عنوان شده است (چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی).

مقام معظم رهبری اشاره دارند: «آنچه امروز برای این ملت اهمیت دارد، این است که مسئولان کشور با همه قدرت و توان، شاخصهای اصلی را برای اصلاح امور کشور در نظر بگیرند؛ همان سه شاخص عمده‌ای که گفته شد: مبارزه با فقر، مبارزه با فساد، مبارزه با تبعیض. این اساس قضیه است» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴). «اگر با فقر و فساد و تبعیض در کشور مبارزه شود، اصلاحات به معنای حقیقی اصلاحات انقلابی و اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد. مشکلات ما از این سه پایه شوم و از این سه عنصر مخرب است. ناامنی هم که داریم، به خاطر همین است. بسیاری از ناامنی، به خاطر فقر است و بسیاری به خاطر فساد است» (بیانات در جمع مردم استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۳). «تبعیض، یعنی به جای ملاحظه قابلیتها، به جای ملاحظه استحقاق، به جای ملاحظه خدا و قانون، ملاحظه رابطه‌ها بشود! نتیجه این بشود که اگر به اهل یک روستا چند میلیون داده شود، زندگی یک روستا متحول می‌گردد و آن روستا محروم نمی‌ماند؛ اما اشخاصی هم پیدا می‌شوند که میلیونها را صرف خواسته‌های حقیر و کوچک، صرف یک میهمانی، صرف یک کار تجملی، صرف یک کار غیرضروری و احياناً مضر بکنند» (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۴/۲۶). «اساس اصلاحات این است که ما با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنیم. هر اصلاحاتی - اگر واقعاً اصلاحات باشد - بر محور این می‌چرخد. بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت‌المال مردم برای منافع شخصی و پرکردن جیب خود تغذیه کنند. بزرگ‌ترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگی‌ها و صلاحیتها و قابلیت‌های افراد توجه نشود» (همان).



با توجه به موارد مذکور، آشکار می‌گردد که از دغدغه‌های اصلی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، اجرای عدالت و رفع تبعیضات ناروا منطبق با ارزشهای اسلامی است. تاکنون در ایران، پژوهشی که بتواند شاخصهایی برای تبعیض اقتصادی و مبتنی بر ارزشها و فرهنگ ایرانی و اسلامی ارائه کند انجام نشده است. این پژوهش با واکاوی ادبیات تبعیض، شاخصی برای اندازه‌گیری تبعیض ارائه می‌کند که بتوان نتیجه عملکردها و سیاستهای کشور در این زمینه را مورد ارزیابی قرار داد. سؤال محوری مقاله، آن است که عملکرد جمهوری اسلامی ایران، به عنوان داعیه‌دار عدالت در مقابله با پدیده تبعیض در جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟ این تحقیق، از نوع موردی زمینه‌ای بوده و دوره زمانی آن ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ می‌باشد.

۱- ادبیات موضوع

۱-۱- پیشینه مفهومی تبعیض

تبعیض مدتهاست که موضوعی جذاب و خسته‌کننده برای علوم اجتماعی است؛ جذاب به دلیل آنکه ساز و کار قدرتمندی در زمینه بسیاری از الگوهای تاریخی و معاصر از نابرابری است و خسته‌کننده به این دلیل که برای اندازه‌گیری، سخت و دشوار است. تحقیقات نشان می‌دهد کسانی که سطح بالایی از تبعیض را درک می‌کنند، به احتمال بیشتری دچار افسردگی، اضطراب و دیگر پیامدهای منفی بهداشتی می‌شوند (کسلر و همکاران، ۱۹۹۰). از نظر لغوی در فرهنگ فشرده سخن، تبعیض به معنای «کسی یا چیزی را به طور ناعادلانه به دیگری ترجیح دادن» تعریف شده است (انوری، ۱۳۸۲: ۵۶۴). به عبارت دیگر، تبعیض به معنای این است که فردی بدون اینکه امتیاز و شایستگی خاصی داشته باشد، بر افراد دیگر که با او از هر لحاظ برابرند، ترجیح داده شود.

کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۸ مفهوم تبعیض را این گونه تعریف کرده است: «هرگونه تمایز، انحصار، محدودیت یا اولویتی که بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، اموال، تولد (نسب) یا دیگر وضعیتها صورت گرفته و هدف از آن، محروم نمودن یا عدم شناسایی حقوق بشری و آزادی‌های اساسی افراد در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر زمینه‌های عمومی بوده یا چنین اثری داشته باشد»^۱.



همچنین در نظریه تفسیری دیگر کمیته حقوق بشر، رفتار تبعیض‌آمیز تعریف شده است؛ از جمله در تفسیر ماده ۲۶ آمده است: «تفاوت در رفتار، اگر ملاک چنین تفاوتی منطقی و عینی و واقعی باشد و هدفش رسیدن به هدف قانونی و مشروع مورد نظر میثاق باشد تبعیض‌آمیز نیست» (دیویدسون، ۲۰۰۵: ۱۷۴). عبارت «تبعیض» به عنوان یک بیان از تعصب نژادی موهن در سال ۱۸۳۲ در کار برجسته توماس دی رایس^۱ با عنوان «جیم کرو»^۲ مورد استفاده قرار گرفت (سالواتوره، ۲۰۰۹: ۷). فیلسوفان اخلاق، تبعیض را به عنوان رفتار یا ملاحظه‌ای که کسی را در وضع نامطلوب قرار دهد، تعریف کرده‌اند. این یک تعریف نسبی است. به عبارتی، فرد لازم نیست به واسطه تبعیض صدمه ببیند. او فقط به خاطر برخی دلایل دلخواه یا قراردادی در معرض رفتار بدتر از دیگران قرار گرفته است. اگر کسی تصمیم به کمک مالی برای کمک به کودکان یتیم بگیرد اما تصمیم او برای کمک مالی به کودکان سیاهپوست کمتر از سایرین باشد، به دلیل نگرش نژادپرستانه، عمل او تبعیض‌آمیز تلقی می‌گردد (هورتا، ۲۰۱۰: ۳۱۷).

در برخی مطالعات، در تعریف تبعیض از مفاهیم برابری استفاده شده و عدم وجود برابری در جامعه‌ای به عنوان نشانه تبعیض قلمداد شده است. این مفاهیم مختلف برابری، منعکس‌کننده مفاهیم مختلف از عدالت است. در این رویکرد خاص، مفاهیم تا حدود زیادی به لحاظ فرهنگی تعریف می‌شوند (مک اون، ۱۹۹۵: ۲۴). در مطالعات گوناگون بین سه عبارت مفهومی مختلف از برابری، تمایز اساسی منظور شده است: برابری صوری یا شکلی، برابری نتایج و برابری فرصت‌ها. مفهوم برابری شکلی، رویه‌ای است که در طبیعت خود مستلزم رفتار یکسان است. جوهر این مفهوم این است که با همه یکسان رفتار شود. این رویکرد از طریق یک اقدام قانونی سخت علیه تبعیض اجرا می‌گردد. رویکرد برابری شکلی، تصویری کورکورانه از عدالت را به نمایش می‌گذارد؛ همه در مقابل قانون، بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های قومی یا جنسی برابر هستند (بادس و همکاران، ۲۰۰۶: ۴۹).

در رویکرد برابری نتایج، هدف اساسی دستیابی به توزیع عادلانه منافع است. این مفهوم با نتیجه نهایی سیاست‌های مختلف ارتباط پیدا می‌کند و این انتظار خود

1. Thomas D. Rice.

2. Jim Crow.

در تاریخ تبعیض نژادی در آمریکا علیه سیاهپوستان کلمه «جیم کرو» که همان اصطلاح «کلاغ سیاه» است، برای تحقیر آنان به کار گرفته می‌شد.



را در دسترسی به نتایج تحمیل می‌کند. برای نمونه، نسبت اقلیتهای قومی در نیروی کار باید به نسبت یکسان با اکثریت جامعه باشد. برای رسیدن به این منظور، استفاده از سهمیه‌بندی مجاز است. رویکرد برابری نتایج، انتقادی از رویکرد برابری شکلی بود؛ زیرا با اجرای رفتار یکسان، در عمل تداوم نابرابری‌های موجود که ناشی از تبعیض در گذشته یا حال بود، ملاحظه می‌گردید. رویکرد برابری فرصت به دنبال پیدا کردن یک نظر میانه و جایگزین دو رویکرد قبلی، به دنبال برابری در نقطه شروع است و پس از آن با مردم بر اساس رویکرد برابری شکلی رفتار می‌شود. رویکرد برابری فرصت، نه تنها میدان بازی را هموار می‌کند بلکه تعصبات و فرایندهای منجر به نتایج تبعیض‌آمیز را از بین می‌برد (همان).

۱-۲- انواع تبعیض

برای بیشتر روشن شدن جنبه‌های تبعیض سه رویکرد اصلی برای دسته‌بندی تبعیض به طور خلاصه ارائه می‌شود که کمک می‌کند جنبه‌های تبعیض را بهتر بشناسیم: ۱- طبقه‌بندی بر اساس گونه، ۲- طبقه‌بندی بر اساس زمینه و ۳- طبقه‌بندی بر اساس فضای شکل‌گیری

جدول ۱: طبقه‌بندی تبعیض بر اساس گونه، زمینه و فضای شکل‌گیری

انواع جنبه	مصادیق
گونه (شکل اعمال تبعیض)	الف- تبعیض عینی ^۱ و تبعیض ذهنی ^۲ (بادس و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۱) ب- تبعیض مستقیم ^۳ و تبعیض غیرمستقیم ^۴ (Council Directive, 2010) ج- تبعیض سازمانی ^۵ ، تبعیض نهادینه شده ^۶ و تبعیض سیستمیک ^۷ (بادس و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۷) د- تبعیض مثبت ^۸ (فلدویچ و همکاران، ۲۰۱۱)

1. Objective discrimination
2. Subjective discrimination
3. direct discrimination
4. indirect discrimination
5. Institutional discrimination
6. Institutionalized discrimination
7. Systemic discrimination
8. Affirmative discrimination



انواع جنبه	مصادیق
زمینه (ویژگی‌های شکل‌دهنده تبعیض مربوط به افراد یا زمانها یا مکانها)	الف- تبعیض « نژادی» ^۱ و «قومی» ^{۱۰} (ریلی، ۲۰۰۳) ب- تبعیض جنسیتی ^{۱۱} (ویلسون، ۲۰۰۳) ج- تبعیض طبقاتی ^{۱۲} د- تبعیض مذهبی ^{۱۳} (مادینا، ۱۹۷۳) ه- تبعیض از کار افتادگی ^{۱۴} و- تبعیض بر اساس سن ^{۱۵} ز- تبعیض زبان ^{۱۶} ح- تبعیض ژنتیکی ^{۱۷} ط- تبعیض خاستگاه قومی ملیتی ^{۱۸} ی- تبعیض بر پایه شرایط حاملگی ^{۱۹}
فضای شکل‌گیری (آن) چیزی که افراد یا گروه‌ها برای برخورداری از آن مورد تبعیض قرار می‌گیرند)	الف- تبعیض در تعیین دستمزد ^{۲۰} (کین، ۱۹۸۶) و (آرنسپرگر، ۲۰۰۴) ب- تبعیض در به‌کارگیری یا استخدام و اشتغال ^{۲۱} (دونو، ۱۹۹۱) ج- تبعیض مبتنی بر قیمت ^{۲۲} (آیرس، ۱۹۹۱) د- تبعیض خدمات ^{۲۳} (همان) ه- تبعیض سرمایه‌گذاری ^{۲۴} (۱۹۹۵، پوسنر)، (سایگلن، ۱۹۹۴) و (دونو، ۱۹۹۲) و- تبعیض در آموزش ^{۲۵} ز- تبعیض اقتصادی جهانی ^{۲۶}

1. Racial discrimination
2. Ethnic discrimination
3. Gender discrimination
4. Class discrimination
5. Religious Discrimination
6. Disability Discrimination
7. Discrimination based on age
8. Language discrimination
9. Genetic Discrimination
10. Discrimination, ethnic origin, nationality
11. Discrimination based on pregnancy conditions
12. Wage discrimination
13. Hiring discrimination
14. Discrimination based on price
15. Services discrimination
16. Capital investment discrimination
17. Discrimination in Education
18. Global economic discrimination

۱-۳- پیشینه شاخص سازی تبعیض

تبعیض از جمله پدیده‌های اجتماعی است که اندازه‌گیری آن به دلایلی دشوار است؛ با وجود این درباره روشها و شاخصهای سنجش تبعیض، نوشته‌های بسیاری در دسترس است. بیشتر این نوشته‌ها درباره تبعیض بین فردی است و تبعیض بین منطقه‌ای از گونه تبعیض نژادی انگاشته می‌شود و بیشتر در چارچوب بین فردی در نظر گرفته شده است. برخی هم افزون بر اندازه‌گیری آن، اثر تبعیض بر برخی متغیرهای دیگر را اندازه‌گیری کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. درباره شاخصهای تبعیض در جهان، پژوهشهای بسیاری انجام شده است. مهم‌ترین کار انجام شده شاخصهای پیوست شاخص توسعه انسانی درباره تبعیض جنسیتی و شاخصهای سازمان کشورهای توسعه یافته است. شاید بتوان گفت، این شاخصها نشان‌دهنده کاربردی‌ترین گونه تبعیض است که در مطالعات و همچنین گزارشهای سالانه سازمان ملل و سازمان کشورهای توسعه یافته با نام گزارش توسعه انسانی آورده می‌شود و برای آن شاخص تعریف شده است. در این گزارش، تبعیض جنسیتی در سه بعد بهداشت باروری، توانمندسازی و بازار کار در پنج شاخص: تعداد مرگ و میر مادران، تعداد باروری نوجوانان، نمایندگی مجلس ملی، پیشرفت تحصیلی (در سطح متوسطه و بالاتر) و مشارکت در نیروی کار منعکس می‌شود (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۳). با وجود این، بررسی‌هایی در ایران و سایر کشورهای جهان در زمینه این گونه از تبعیض و دیگر تبعیضها انجام شده است که در آغاز، به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ سپس شاخصهای تبعیض مهم در دسترس را معرفی می‌کنیم. درباره تبعیض جنسیتی می‌توان از مطالعات احمدوند (۱۳۸۳)، براتی‌نیا (۱۳۷۹)، فکوهی (۱۳۸۴)، موثقی و اسفندیاری (۱۳۸۷) و جعفری و قربان‌نیا (۱۳۸۸) یاد کرد که بیشتر به وجود و تحلیل این گونه تبعیض در ایران از نظر اشتغال، پرداخت حقوق و دستمزد، تأمین اجتماعی و مزایای دیگر همچون اینها پرداخته‌اند. سفیری (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان جنسیت و تبعیض دستمزد در کانادا، با اشاره به این نکته که کانادا با اینکه چندین سال مداوم مقام اول را در توسعه انسانی در جهان کسب نموده و در راستای رفع تبعیض از زنان - که یکی از شاخصهای توسعه می‌باشد- تلاش نموده است، در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که آیا تبعیض دستمزد در این کشور وجود دارد و در صورت وجود داشتن، چه میزان است. وی با استفاده از مدل اقتصادسنجی، با توجه به این نکته که مشاغل با دستمزد پایین و موقتی، اغلب نصیب زنان گردیده، نتیجه می‌گیرد که متغیر





جنسیت در الگوی انتخابی با میزان دستمزد ارتباط قوی دارد؛ بنابراین تبعیض دستمزد وجود داشته و میزان آن ۹۱۱۲ دلار در سال است.

جواهری و داریاپور (۱۳۸۷) در مقاله مشترک خود با عنوان «مشکلات شغلی زنان عضو هیئت علمی دانشگاه» درصد پاسخگویی به این پرسشها هستند: زنان هیئت علمی دانشگاه در محیط کار خود با چه مشکلاتی مواجه هستند؟ آیا بین ویژگی‌های فردی زنان هیئت علمی دانشگاه و مشکلات آنها رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا بین مشکلات شغلی زنان هیئت علمی دانشگاه با گرایش آنها نسبت به کارشان رابطه‌ای وجود دارد؟ اطلاعات این مقاله از یک تحقیق پیمایشی که در آن با ۲۹۰ نفر از زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی (غیرپزشکی) مصاحبه شده، به دست آمده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از زنان دانشگاهی با دو مشکل ناهماهنگی انتظارات نقشهای خانوادگی و شغلی و تبعیض جنسیتی مواجه هستند. از بین متغیرهای جمعیتی فقط سن، قومیت و مرتبه دانشگاهی در مواردی محدود با مشکلات زنان ارتباط دارد. افزون بر این، تداخل نقشها و تبعیض جنسیتی با رضایت از کار و رضایت از سازمان رابطه‌ای معنادار و منفی دارد.

ابونوری و غلامی (۱۳۸۸) در مقاله تجزیه و تحلیل متوسط جبران خدمات زنان در مقایسه با مردان در بخش صنعت ایران، متوسط جبران خدمات اسمی و واقعی در هر صنعت به تفکیک زن و مرد را در دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ محاسبه کرده و با استفاده از تحلیل واریانس رگرسیونی اثر معنادار جنسیت بر متوسط جبران خدمات واقعی را برآورد کرده‌اند که با فرض ثابت بودن سایر عوامل، متوسط جبران خدمات واقعی کارکنان زن به‌طور معنادار حدود ۴۲۲ هزار تومان کمتر از متوسط جبران خدمات کارکنان مرد برآورد شده است. البته آنها متذکر شده‌اند که ممکن است این تفاوت ناشی از اضافه‌کاری بیشتر، سطح تجربه، سطح تخصص و سطح سواد مردان در مقایسه با کارکنان زن باشد که در این پژوهش قابل مشاهده نبوده است.

درباره حقوق اقلیتها و تبعیضهای نژادی، قومی، مذهبی و مانند اینها نیز پژوهشهای کم‌شماری انجام شده است، همچون کارهای محمودی (۱۳۸۸) و شریفی طرازکوهی و قره باقی (۱۳۸۹) که بیشتر زمینه حقوقی دارند.

چارلز و گوریان^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای پیش‌بینی در مورد رابطه بین تعصب نژادی و شکاف دستمزد نژادی را با تکیه بر مدل تبعیض کارفرمای بکر (۱۹۵۷)



در ایالات متحده مورد آزمون قرار دادند. این کار با استفاده از اطلاعات حاصل از نظرسنجی عمومی اجتماعی مربوط به تبعیض نژادی، پیش‌بینی‌های کلیدی بکر در مورد رابطه بین تعصب و شکافهای دستمزد نژادی را مورد تأیید قرار داد. برآوردهای آنها نشان می‌دهد که یک چهارم از شکاف دستمزد نژادی به علت تعصب می‌باشد که بر درآمد به دست آمده در طول عمر فرد سیاه تأثیر زیادی دارد. آنها نشان می‌دهند که این نتایج تحت شرایط مختلفی، از جمله واپایش کیفیت مهارت نژادی و پیش‌بینی متغیرهای ابزاری به دست آمده است.

گلن^۱ (۱۹۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «موارد استفاده و محدودیتهای تجزیه و تحلیل آماری در اندازه‌گیری تبعیض اقتصادی»، با بیان دو نمونه از شواهد تبعیض در تاریخ آمریکا، موارد استفاده و محدودیتهای تجزیه و تحلیل آماری را در این زمینه نشان می‌دهد. او نتیجه می‌گیرد که تجزیه و تحلیل آماری برای اثبات وجود تبعیض اقتصادی، به عنوان یکی از اجزای تحلیل لازم است اما کافی نیست و باید برای این کار، شواهد تاریخی و نهادی موجود بوده و بتوان در درون یک چارچوب نظری تفسیر نمود.

فریکمن^۲ (۲۰۰۶) در گزارشی در مورد وضعیت تبعیض در سوئد، به‌ویژه در جاهایی که در آن مردم احساس می‌کنند مورد تبعیض واقع می‌شوند، با مشارکت «مؤسسه ملی عمومی بهداشت و درمان»^۳ بر اساس جهت‌گیری جنسی سوئد، به دنبال یافتن این پرسش برمی‌آید که تا چه حدی تبعیض، تهدیدی برای بهداشت عمومی است و ارتباط این تجربیات با سلامت انسان چگونه است. با توجه به بررسی جمعیت‌شناختی (پرسشنامه سلامت عمومی ملی) اشکال مختلف تبعیض در ارتباط با جنس، سن، کشور مبدأ، معلولیت و گرایش جنسی وجود داشته و تبعیض نیز در نهادهای دولتی که برای سلامت انسان بسیار مهم هستند، مانند دفاتر بیمه‌های اجتماعی، دفاتر اشتغال، پزشکی و خدمات بهداشتی رخ می‌دهد.

هوانگ^۴ و همکاران (۲۰۰۸)، تأثیر تبعیض نژادی را بر سلامت روان دانشجویان دانشگاه‌های آمریکایی آسیایی تبار و لاتین مورد مطالعه قرار دادند. در این مطالعه شواهدی ارائه می‌شود که دانشجویان دانشگاه‌های آمریکایی آسیایی تبار و لاتین، انواع تبعیض را در محیط‌های اجتماعی و حرفه‌ای تجربه نموده‌اند که تکرار مشاهدات تبعیض و ارزیابی اضطراب ناشی از آن حوادث، پیامدهای جدی برای

1. Glen
2. Frykman
3. Institute of Public Health
4. Hwang



آنان در پی داشته است. احساس تبعیض با افزایش خطر ابتلا به ناراحتی روانی و خودکشی همراه شده و افکار را مشوش و زمینه اضطراب و افسردگی بالینی را فراهم نموده است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که دانشجویان جوان‌تر در خطر ابتلا به ناراحتی روحی و روانی بالاتری قرار داشته‌اند. همچنین دانشجویان لاتین نسبت به دانشجویان آسیایی تبار در معرض اتهام به انجام کاری اشتباه، مانند تقلب و نقض قانون بوده و ارزیابی این تجربیات برای آنان استرس‌زا بوده است.

نوشته‌های گسترده‌ای در زمینه اندازه‌گیری تبعیض در دسترس است اما چند نوشته جامع‌تر از سوی برخی نهادها چاپ شده است که گستره اغلب اندازه‌گیری‌ها را در بر دارد. گزارش اندازه‌گیری مشترک تبعیض (کریستوفر بادس و دیگران، ۲۰۰۶) که از سوی شماری از پژوهشگران چند کشور اروپایی و با پشتیبانی مالی برنامه مبارزه با تبعیض اتحادیه اروپا تهیه شده است، در برگیرنده گزارش خوبی از روشهای اندازه‌گیری و جنبه‌های گوناگون تبعیض است (البته گزارش قبلی با عنوان به سمت اندازه‌گیری مشترک تبعیض (کریستوفر بادس و دیگران، ۲۰۰۵) نیز توسط همین پژوهشگران تهیه شده بود). در این نشریه که با عنوان «اقدامات مشترک برای تبعیض، توصیه‌هایی برای بهبود اندازه‌گیری تبعیض» چاپ گردیده، مؤسساتی از نروژ، دانمارک، هلند، جمهوری چک و پرتغال در این پروژه شرکت کردند. سه هدف اصلی این گزارش عبارتند از:

۱- کسب و بهبود درک درست از مسائل مربوط به تبعیض

۲- توسعه ظرفیت برای مبارزه مؤثر با تبعیض

۳- ترویج ارزشهای اساسی مبارزه با تبعیض

ایده اصلی بهبود اندازه‌گیری تبعیض قومی با ترکیب منابع مختلف اطلاعات است که اطلاعات را در مورد چهار جنبه تبعیض: تفاوت در نتیجه یا پیامد، ایراد عمل، علیت و فقدان توجیه فراهم می‌کند. اطلاعات چهار جنبه تبعیض در سه حوزه آموزش، نیروی کار و درآمد از اقلیتها که جمعیت هدف نام دارند، از منابع اطلاعاتی مختلف در کشورهای اروپایی مذکور، مبنای اندازه‌گیری تبعیض می‌باشند.

آموزش: آموزش در جوامع مدرن، از جمله شرایط مورد نیاز مهم در بازار کار محسوب می‌گردد و با نداشتن «حق» آموزش، راه بسیاری از پیشرفته‌ها بسته می‌شود. پس یکی از شاخصهایی که می‌تواند میزان تبعیض را در جوامع مختلف یا داخل یک جامعه، نسبت به اقلیتها (ملیتها، قومیتها، نژادها، مذاهب و...) یا مناطق مختلف مورد سنجش قرار دهد، میزان و کیفیت آموزش در آنهاست.



نیروی کار: تبعیض می‌تواند در بسیاری از عرصه‌های زندگی، از جمله بازار کار رخ دهد. اندازه‌گیری تبعیض به دو دلیل بستگی به بازار نیروی کار دارد: نخست، مشارکت در نیروی کار به معنای به دست آوردن درآمد و امرار معاش و تبدیل شدن به عضو یکپارچه از جامعه است. دوم، بازار کار یک میدانی است که اطلاعات قابل مقایسه در سطح بین‌المللی همیشه وجود دارد که می‌تواند به‌طور بالقوه در کارهای تحقیقاتی مورد استفاده قرار گیرد.

درآمد: درآمد با اینکه به ظاهر ساده است اما همزمان از نظر اندازه‌گیری پیچیده است. پول یک مفهوم زبانی است که همه‌فهم است اما در عمل، اندازه‌گیری اختلاف درآمد دشوار است. با این حال، حتی در این زمینه، کشورهای مختلف اختلاف درآمد را به صورت شاخصهای درآمدی قابل مقایسه نموده‌اند.

جمعیت هدف: در تعریف عنوان یا ترکیب جمعیت‌های اقلیت که در کشورهای مختلف مورد تبعیض قرار می‌گیرند، تفاوت وجود دارد. برای نمونه، اگر برای تعریف جمعیت مورد تبعیض اقلیت از تعریف مشترکی که محل تولد فرد و والدین که به کشور دیگری مهاجرت کرده‌اند، مبنای قرار گیرد به دلیل امکان دسترسی به آمار آنها و قابلیت اعتماد و قابل مقایسه بودن و پایداری در طول زمان، این تعریف می‌تواند نشان‌دهنده جمعیت اقلیت مورد تبعیض باشد اما مشکلات متعددی نیز در این زمینه وجود دارد. محل تولد فرد لزوماً برابر با قومیت، مذهب و نژاد او نیست. اما تجزیه و تحلیل این داده‌ها در زمینه تبعیض‌های قومی، معتبر است. از سوی دیگر، پرسشهای بسیاری وجود دارد که نمی‌توان بدون اطلاعات آماری تکمیلی مربوط به قومیت، مذهب یا عضویت در گروه‌های اقلیت ملی مورد حمایت به آنها پاسخ داد و در برخی موارد در منع یا ساختن این آمار یا پیوند این آمار با آمارهای دیگر، محدودیتهای قانونی وجود دارد.

چهار جنبه مذکور برای اندازه‌گیری تبعیض را - که می‌توان هر یک از آنها را اندازه‌گیری کرد - می‌توان به صورت زیر تعریف کرد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱):

تفاوت پیامد: در اینجا هدف اندازه‌گیری پیامدهای تبعیض برای افرادی است که به آنها تبعیض شده است.

ایراد عمل (تبعیض): در اینجا هدف شناسایی خود تبعیض (ایراد کار) است که در عمل رخ می‌دهد.

علیت ربط داده شده به یک تبعیض که بر پایه جمعیت در معرض خطر تعریف می‌شود: یعنی شناسایی و اندازه‌گیری تبعیض بر پایه اندازه و ویژگی‌های افراد در معرض تبعیض.



فقدان توجیه: در اینجا هدف اندازه‌گیری اقدامات بدون توجیه در زمینه عمل نابرابر برای افراد برابر یا عمل برابر برای افراد نابرابر است.

این چهار جنبه با سه رویکرد قابل اندازه‌گیری هستند: اندازه‌گیری نگرش مردم درباره وجود و اندازه تبعیض در جامعه، اندازه‌گیری تبعیض رخ داده در جامعه و اندازه‌گیری مبارزه با تبعیض در جامعه (اقدامات انجام شده برای مبارزه با تبعیض). روشهای فراهم کردن داده‌های (منابع اطلاعاتی) مورد نیاز اندازه‌گیری چهار جنبه تبعیض با سه رویکرد مورد اشاره نیز می‌تواند متفاوت باشد. روشهای اندازه‌گیری برای هر یک از جنبه‌های تبعیض و هدف آنها در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲: جنبه‌های تبعیض و روشهای به دست آوردن داده‌های آن

مؤسسه‌ای که به طور معمول عهده‌دار مسئولیت داده‌های آن است	جنبه‌های تبعیض			روش‌های فراهم کردن داده‌ها (منبع داده‌ها)	
	فقدان توجیه	علیت تبعیض که برپایه جمعیت در معرض خطر تعریف می‌شود	ایراد عمل (تبعیض)		تفاوت پیامد
سازمانهای آماری	مقایسه افراد جایگزین به صورت توضیحی (تفسیری)	شناسایی گروه‌های در معرض خطر	شناسایی برخورد‌های نابرابر یا برخورد‌های برابر ناموجه (ناحق / ناعادلانه)	شناسایی هدف‌گیری‌ها و روندهایی برای شمار اندکی پیامد برای شمار بسیاری از افراد	به کارگیری داده‌های ثبت شده در نهادهای رسمی یا سرشماری‌ها
مؤسسه‌های پژوهشی / سازمانهای آماری	مقایسه سطح افراد جایگزین به صورت توضیحی (تفسیری)	تمرکز شناسایی روی گروه‌های در معرض خطر ویژه، اگر قابل تشخیص باشند و شمار آنها کافی باشد	شناسایی برخورد‌های نابرابر یا برخورد‌های برابر ناموجه (ناحق / ناعادلانه)	شناسایی شماری از پیامدهای بسیار ویژه	بررسی‌های میدانی برای دستیابی به نابرابری‌ها و پیامدها
مؤسسه‌های پژوهشی / سازمانهای آماری	مقایسه سطح افراد جایگزین به صورت توضیحی (تفسیری)	مقایسه گروه‌های در معرض خطر، اگر قابل تشخیص باشند و شمار آنها کافی باشد	شناسایی برای تجربه‌ها (تحملها)	در این زمینه کم کاربرد است	بررسی‌های میدانی برای دستیابی به نابرابری‌های تجربه شده



مؤسسه‌ای که به طور معمول عهده‌دار مسئولیت داده‌های آن است	جنبه‌های تبعيض				روش‌های فراهم کردن داده‌ها (منبع داده‌ها)
	فقدان توجه	علیت برپایه جمعیت در معرض خطر تعريف می‌شود	ایراد عمل (تبعيض)	تفاوت پیامد	
مؤسسه‌های پژوهشی / سازمانهای آماری	شناسایی توجه (غیر) قابل پذیرش	می‌توان علت در معرض خطر قرار گرفتن گروه‌های ویژه را توضیح داد	شناسایی تعصب تبعيض‌آمیز	در این زمینه کم کاربرد است	بررسی‌های میدانی روی نگرش نسبت به اقلیتها
مؤسسه‌های پژوهشی	بررسی توجه به کار رفته	توضیح فرایند/ بررسی علت اینکه چرا اکثریت، مردم را طبقه‌بندی می‌کنند	شناسایی تجربه‌ها (تحمل‌ها) و نمونه‌های تبعيض	در این زمینه کم کاربرد است	پژوهشهای کیفی
مؤسسه‌های پژوهشی / افراد متخصص	با گزینش دقیق زوجها	با کاربرد روشهای آزمایشی	شناسایی تبعيض در جایگاه داده شده (معین)	شناسایی نرخ شیوع در یک جایگاه (موقعیت) ویژه	آزمون جایگاه (موقعیت)
افراد متخصص / سازمانهای مردم نهاد/ دادگاهها	شناسایی تکرار تبعيض	شناسایی تکرار تبعيض برای یک عضو از گروه در معرض خطر	شناسایی نمونه‌های تبعيض	شناسایی فرایندهای تشریح	بررسی دادخواهی‌ها و اقدامات حقوقی فردی

Christoffer Badse et al (2006)

همچنین قوتها و ضعفهای منابع مختلف اطلاعاتی در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: قوتها و ضعفهای منابع مختلف اطلاعاتی اندازه‌گیری جنبه‌های تبعيض

قوتها	ضعفها	روشهای فراهم کردن داده‌ها (منبع داده‌ها)
اغلب همه را پوشش می‌دهد، اغلب تغییرات زمانی را اعمال می‌کند با دسته‌بندی متناسب مقایسه را در سراسر کشور امکان پذیر می‌سازد	دسترسی سخت و دشوار است	به‌کارگیری داده‌های ثبت شده در نهادهای رسمی یا سرشماری‌ها



قوتها	ضعفها	روشهای فراهم کردن داده‌ها (منبع داده‌ها)
می‌تواند به تعداد دفعات بیشتری از سرشماری جمع آوری شود. می‌تواند برای هدف خاصی طراحی شده باشد. با طراحی بین‌المللی می‌تواند مقایسه در میان کشورها را عملی سازد.	باید گروه‌های در معرض خطر به‌طور خاص مورد هدف قرار گیرند	بررسی‌های میدانی برای دستیابی به نابرابری‌ها و پیامدها
می‌تواند برای هدف خاصی طراحی شده باشد. با طراحی بین‌المللی می‌تواند مقایسه در میان کشورها را عملی سازد.	باید گروه‌های در معرض خطر به‌طور خاص مورد هدف قرار گیرند گران است، نیاز به تکرار به‌طور منظم دارد	بررسی‌های میدانی برای دستیابی به نابرابری‌های تجربه شده
جمع‌آوری چند سؤال با بررسی‌های میدانی جمعیتی آسان است.	راجع به تبعیض انجام شده چیزی نقل نمی‌شود اطلاعات بیشتر زمینه‌ای و مفهومی است	بررسی‌های میدانی روی نگرش نسبت به اقلیتها
می‌توان جزئیات و اطلاعات در مورد فرایندهای مورد نیاز برای تفسیر داده‌ها از منابع دیگر را فراهم کرد. برای بازرسی خوب است.	برای تعمیم دادن مشکل است پاسخ ساده ارائه نمی‌دهد	پژوهشهای کیفی
هر چهار جنبه تبعیض را در بر می‌گیرد. می‌تواند مقایسه در میان کشورها را عملی سازد.	تنها می‌توان در موقعیتهای تکرار استفاده کرد و پیامدهای کوتاه‌مدت دارند مشکل می‌توان آن را طوری به دست آورد که نتایج با هم اختلاف نداشته باشند	آزمون جایگاه (موقعیت)
قابلیت اطمینان بالا می‌تواند وجود تبعیض را تأیید کند.	توسط یک فرایند طولانی تولید می‌شود برای درک تعداد حادثه مشکل است	بررسی دادخواهی‌ها و اقدامات حقوقی فردی

Christoffer Badse et al (2006)

۲- روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق اصل ۴۸ قانون اساسی را مبنای تدوین شاخص تبعیض اقتصادی قرار داده است. مطابق این اصل در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.



در این اصل، چند جنبه برای تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بیان شده است:

- ۱- تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی
- ۲- تبعیض در استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها
- ۳- تبعیض در توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها
- ۴- همچنین ملاک تبعیض، در دسترس نداشتن سرمایه و امکانات لازم هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود است.

اگر به این جنبه‌ها دقت کنیم، درمی‌یابیم که دو رویکرد در این نگاه وجود دارد: یکی رویکرد اندازه‌گیری پیامد و دیگری رویکرد ایراد عمل که به دومی بیشتر «تبعیض» گفته می‌شود. اگر رویکرد ایراد کار را در نظر بگیریم و بخواهیم کارکرد برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را ارزیابی کنیم، آنچه برای این چهار جنبه در اختیار برنامه‌ریزان و سیاستگذاران است، امکانات دولتی است که در چارچوب بودجه جاری و عمرانی به استانها تخصیص داده می‌شود. تخصیص درآمدهای ملی، سرمایه‌گذاری دولت برای فعالیتهای اقتصادی و بهره‌برداری از منابع و امکانات استانها که برای توزیع فعالیتهای نیز رخ می‌دهد با تخصیص بودجه جاری و عمرانی دولت انجام می‌شود.

بر این پایه، می‌توان تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در قانون اساسی را این‌گونه تعریف کرد: تبعیض به معنی تخصیص امکانات و درآمدهای ملی به استانها بدون رعایت نیازها و استعدادهای (ظرفیتهای) استانها که بر بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع فعالیتهای اقتصادی اثر دارد. این تعریف بر این نکته پایه‌گذاری شده است که به طور عمده، توزیع امکانات ملی در چارچوب بودجه جاری و سرمایه‌ای دولت شکل می‌گیرد.

استفاده از درآمدهای دولت در سطح استانها می‌تواند در دو بخش هزینه‌های جاری و نیز هزینه‌های سرمایه‌ای دولت رخ بدهد. بر این اساس، برای تدوین شاخص تبعیض بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان دو شاخص ساخت: یک شاخص برای هزینه‌های جاری دولت و شاخص دیگر برای تخصیص سرمایه‌ها که این شاخصها ترکیبی از داده‌ها هستند. شاخصهای پایه‌ای این شاخصها نیازهای استانها، استعدادهای استانها، هزینه‌های جاری دولت در استانها و سرمایه‌های تخصیص داده شده دولت به استانها خواهد بود. برای ساخت این شاخصها باید نسبت بودجه‌های داده شده برای رفع نیازهای استانها را به اندازه نیاز استانها و نیز نسبت بودجه‌های داده شده به استانها را به اندازه استعداد استانها برای سرمایه‌گذاری، اندازه‌گیری کرد و پس از آن این دو شاخص را ترکیب کرد.



- می‌توان برای متغیرها و داده‌های این شاخصها، داده‌های زیر را به کار گرفت:
- نیاز: جمعیت، وسعت و کمبودهای اشتغال (بیکاری)، آموزش و بهداشت
 - استعداد: جمعیت، وسعت و اندازه فعالیت‌های اقتصادی (تولید، اشتغال)
 - استفاده از درآمدهای ملی برای استانها (در دسترس داشتن سرمایه و امکانات لازم): هزینه‌های جاری دولت در استانها و هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در استانها

چون ابزار اصلی دولت برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع فعالیتها بین استانها، بودجه است و درآمدها نیز در چارچوب بودجه به استانها تخصیص پیدا می‌کند، می‌توان تخصیص بودجه را ملاک خوبی برای بخش یک دانست. در اینجا نخست، متغیرهایی را که باید داده‌های آن را داشته باشیم، معرفی و آنها را نمادگذاری می‌کنیم و پس از آن در چارچوب نمادهای ریاضی، چگونگی ترکیب آنها برای ساختن زیرشاخصها و سپس چگونگی ترکیب زیرشاخصها برای ساختن شاخص چند بعدی را نشان می‌دهیم.

متغیرهایی که باید داده‌های آن را داشته باشیم:

- هزینه‌های جاری دولت در هر استان و کل کشور و درصد هر استان از کل کشور
 - هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در هر استان و کل کشور و درصد هر استان از کل کشور
 - ارزش افزوده هر استان و کل کشور و درصد هر استان از کل کشور
 - جمعیت هر استان و کل کشور و درصد هر استان از کل کشور
 - وسعت هر استان و کل کشور و درصد هر استان از کل کشور
 - بیکاران هر استان به عنوان شاخص نیاز به ایجاد شغل و درصد هر استان از کل کشور
 - بی‌سوادان هر استان به عنوان شاخص نیاز به خدمات آموزشی و درصد هر استان از کل کشور
 - امید به زندگی در هر استان به عنوان شاخص نیاز به خدمات سلامت و درصد هر استان از کل کشور
- با توجه به مفهوم ارائه شده برای تبعیض، می‌توان تبعیض را به معنی تخصیص درآمدهای ملی به استانها بدون رعایت نیازها و ظرفیتهای اقتصادی و اجتماعی دانست.

این تبعیض در دو بخش تخصیص هزینه‌های جاری و نیز سرمایه‌ای می‌تواند



رخ بدهد. بر این اساس، برای تدوین شاخص تبعیض بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان دو دسته شاخص ساخت: یکی شاخص تخصیص هزینه‌های جاری و دیگری شاخص تخصیص سرمایه‌ها که این شاخصها ترکیبی از داده‌ها هستند. همچنین این تبعیض می‌تواند به دو علت در نظر نگرفتن نیاز استانها یا در نظر نگرفتن ظرفیت استانها رخ بدهد. بر این اساس نیز برای تدوین شاخص تبعیض بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان دو دسته شاخص داشت: یکی شاخص تخصیص بودجه بر پایه نیاز و دیگری شاخص تخصیص بودجه بر پایه ظرفیت که این شاخصها ترکیبی از داده‌ها هستند. شاخصهای پایه‌ای این شاخصها: نیازهای استانها، استعدادهای استانها، هزینه‌های جاری تخصیص داده شده دولت به استانها و سرمایه‌های تخصیص داده شده به استانها خواهد بود. برای ساخت این شاخصها باید نسبت بودجه‌های تخصیص داده شده برای رفع نیازهای استانها را به اندازه نیاز استانها و نیز نسبت بودجه‌های تخصیص داده شده به استانها دو شاخص را ترکیب کرد.

می‌توان گفت ظرفیت منطقه (استان) را نیروی انسانی آن استان، اندازه فعالیت‌هایی که در استان در حال انجام است و منابع محیطی و سرزمین آن استان می‌سازد. با توجه به داده‌های در دسترس و موجود، می‌توان سه متغیر را برای مشخص کردن ظرفیت هر استان در نظر گرفت: یکی جمعیت، دومی اندازه فعالیت‌های اقتصادی که می‌تواند با اندازه ارزش افزوده سنجیده شود و سومی مساحت استان.

برای اینکه بتوان تناسب ظرفیت را در نظر گرفت، سهم هر یک از این اندازه‌ها برای هر استان از کل کشور را معیار ظرفیت نسبی هر استان در برابر استانهای دیگر در نظر می‌گیریم. برای روشن تر شدن شاخص مورد نظر، اجزای آن را تعریف می‌کنیم. برای سهم جمعیت استان داریم:

$$pp_i = \frac{P_i}{\sum_1^a P_i} \quad (1)$$

که در آن P_i جمعیت استان i ام که i شماره استان و pp_i سهم جمعیت استان i ام از جمعیت کشور است. برای سهم ظرفیت اقتصادی استان نیز داریم:

$$pV_i = \frac{V_i}{\sum_1^a V_i} \quad (2)$$



که در آن

v_i : ارزش افزوده استان i ام و

pV_i : سهم ارزش افزوده استان i ام از ارزش افزوده کل کشور است. برای سهم منابع و سرزمین استان نیز داریم:

$$pM_i = \frac{M_i}{\sum_1^9 M_i} \quad (3)$$

که در آن

M_i : مساحت استان i ام و

pM_i : سهم مساحت استان i ام از مساحت کل کشور است.

به همین ترتیب، برای نیاز استان نیز سه پایه اصلی نیاز، یعنی کار (که معیار درآمد نیز می‌باشد)، آموزش و بهداشت (سلامت) را ملاک قرار می‌دهیم.

معیار نیاز به کار را نیروی بیکار استان در نظر می‌گیریم.

معیار نیاز به آموزش را تعداد بی‌سوادان استان قرار می‌دهیم.

معیار نیاز به بهداشت و سلامت را امید به زندگی در استان قرار می‌دهیم.

برای اینکه این نیازهای استانها را در برابر استانهای دیگر نشان دهیم، از سهم نیازی استان از کل نیاز کشور استفاده می‌کنیم. بر این پایه، برای سهم نیاز به کار

$$pL_i = \frac{L_i}{\sum_1^9 L_i} \quad (4)$$

که در آن

L_i : شماره افراد بیکار استان و

pL_i : درصد (سهم) بیکاران استان از کل بیکاران کشور است. برای سهم نیاز آموزشی استان داریم:

$$pE_i = \frac{E_i}{\sum_1^9 E_i} \quad (5)$$

که در آن

E_i : شمار بی‌سوادان استان و

pE_i : درصد (سهم) بی‌سوادان استان از کل بی‌سوادان کشور است. برای سهم نیاز به سلامت استان داریم:

$$pH_i = \frac{H_i}{\sum_1^9 H_i} \quad (6)$$

که در آن

H_i : به این صورت ساخته می‌شود: امید به زندگی در استان منهای صد و

pH_i : سهم H_i هر استان از مجموع امید به زندگی‌های هر استان منهای صد است.



چنان که گفتیم، می توان امکانات کشور برای تخصیص به مناطق را درآمد دولت در نظر گرفت که در چارچوب بودجه برای کشور و به استانها تخصیص داده می شود. بودجه دولت در دو بخش عمرانی (سرمایه ای و جاری) تخصیص داده و هزینه می شود. به این پایه، دو بودجه برای هر استان داریم که برای بیان روشن تر آنها را جداگانه ملاک قرار می دهیم. برای اینکه بتوانیم بودجه را نیز با تناسب نیازها هماهنگ کنیم، بودجه عمرانی و جاری را نیز در چارچوب نسبت قرار می دهیم، یعنی برای شاخص تخصیص امکانات بودجه ای جاری به استانها داریم:

$$pG_i = \frac{G_i}{\sum_1^8 G_i} \quad (7)$$

که در آن

G_i : هزینه جاری دولت در استان i ام و

pG_i : سهم (درصد) هزینه جاری دولت در استان i ام از کل هزینه های جاری دولت در استانهای کشور است.

و برای بودجه (هزینه) سرمایه ای استان نیز داریم:

$$pC_i = \frac{C_i}{\sum_1^8 C_i} \quad (8)$$

که در آن

C_i : هزینه های سرمایه ای دولت در استان i ام و

pC_i : سهم (درصد) هزینه های سرمایه ای دولت در استان i ام از کل هزینه های سرمایه استانهای کشور است.

برای ظرفیت و نیاز این شاخصها پایه قرار می گیرند و سهم هر استان از بودجه جاری و سرمایه ای دولت بر این شاخصها تقسیم می شود که اگر کمتر از میانگین این شاخص بودجه تخصیص داده شده باشد، تبعیض مستقیم به زیان استان داده شده است. در ترکیب نیز این زیرشاخصها را برای ظرفیت و همچنین برای نیاز با هم جمع و بر تعداد آنها تقسیم می کنیم که دو شاخص ترکیبی تبعیض بر پایه ظرفیت و شاخص ترکیبی تبعیض بر پایه نیاز به دست می آید. برای محاسبه شاخص تبعیض اقتصادی، میانگین شاخصهای ترکیبی تبعیض بر پایه ظرفیت و تبعیض بر پایه نیاز برای هر استان در هر سال را محاسبه نموده و چنانچه میانگین مقادیر به دست آمده، بالاتر از یک باشد، نشان از تبعیض مثبت و اگر پایین تر از یک باشد، حاکی از تبعیض منفی برای استان مورد نظر است. ضریب تغییرات میانگین ترکیبی استانها در هر سال نیز شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی بین منطقه ای در هر سال را نشان می دهد.



۳- تحلیل یافته‌ها

بر اساس آنچه بیان گردید، برای نمونه جداول ۴ و ۵ شاخص تبعیض در تخصیص بودجه عمرانی و جاری دولت بر پایه ظرفیت و نیاز استانها را برای سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهند.

جدول ۴: شاخص تبعیض در تخصیص بودجه عمرانی و جاری دولت بر پایه ظرفیت و نیاز استانها

(سال ۱۳۵۸)

ردیف	استان	جاری / وسعت	سرمایه‌ای / وسعت	جاری / جمعیت	سرمایه‌ای / جمعیت	میانگین ظرفیت	جاری / امید به زندگی	سرمایه‌ای / امید به زندگی	جاری / بیکاری	سرمایه‌ای / بیکاری	جاری / بی سواد	سرمایه‌ای / بی سواد	میانگین نیاز	شاخص ترکیبی
۱	آذربایجان شرقی	1.76	1.37	0.77	0.59	1.12	1.15	1.48	0.75	0.96	0.5	0.65	0.92	1.02
۲	آذربایجان غربی	1.52	1.9	0.81	1.01	1.31	0.9	0.72	1	0.79	0.87	0.7	0.83	1.07
۳	اردبیل													
۴	اصفهان	0.83	0.98	0.82	0.97	0.9	1.53	1.3	1.96	1.67	1.25	1.06	1.46	1.18
۵	ایلام	0.5	1.46	0.81	2.39	1.29	0.44	0.15	5.76	1.96	1.93	0.66	1.82	1.55
۶	بوشهر	1.03	0.69	1.3	0.87	0.97	0.27	0.4	0.6	0.89	0.82	1.22	0.7	0.83
۷	تهران	7.19	0.94	0.76	0.1	2.25	0.48	3.65	0.18	1.39	0.19	1.42	1.22	1.73
۸	چهارمحال و بختیاری	1.25	2.26	1.03	1.86	1.6	0.58	0.32	2.97	1.64	1.7	0.94	1.36	1.48
۹	خراسان جنوبی													
۱۰	خراسان رضوی	0.4	0.27	0.76	0.52	0.49	1.04	1.51	0.91	1.32	0.48	0.69	0.99	0.74
۱۱	خراسان شمالی													
۱۲	خوزستان	2.98	3.02	1.88	1.9	2.44	2.89	2.86	1.38	1.37	2.01	1.99	2.08	2.26
۱۳	زنجان	0.88	1.11	0.59	0.74	0.83	0.51	0.4	0.99	0.78	0.98	0.78	0.74	0.78
۱۴	سمنان	0.24	0.41	1.67	2.81	1.28	0.59	0.35	6.95	4.13	2.41	1.43	2.64	1.96
۱۵	سیستان و بلوچستان	0.42	0.56	2.21	2.95	1.54	1.51	1.13	3.28	2.45	2.19	1.64	2.03	1.78
۱۶	فارس	1.03	0.86	1.24	1.03	1.04	1.77	2.13	1.28	1.54	1.13	1.36	1.53	1.29
۱۷	قزوین													



ردیف	استان	جاری / وسعت	سرمایه‌ای / وسعت	جاری / جمعیت	سرمایه‌ای / جمعیت	میانگین ظرفیت	جاری / امید به زندگی	سرمایه‌ای / امید به زندگی	جاری / بیکاری	سرمایه‌ای / بیکاری	جاری / بی سواد	سرمایه‌ای / بی سواد	میانگین نیاز	شاخص ترکیبی
۱۸	قم													
۱۹	کردستان	1.68	0.96	1.29	0.74	1.17	0.32	0.56	0.46	0.81	0.55	0.97	0.61	0.89
۲۰	کرمان	0.37	0.39	1.22	1.3	0.82	1.06	1	2.38	2.23	1.25	1.17	1.51	1.17
۲۱	کرمانشاه	2.41	1.74	1.2	0.86	1.55	0.65	0.91	0.89	1.24	0.8	1.11	0.93	1.24
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	1.14	3.6	1.41	4.45	2.65	0.81	0.26	2.56	0.81	3.78	1.2	1.57	2.11
۲۳	گلستان													
۲۴	گیلان	6.85	6.21	1.28	1.16	3.87	1.5	1.65	0.3	0.33	1.27	1.4	1.08	2.47
۲۵	لرستان	1.29	2.74	0.79	1.68	1.62	1.19	0.56	1.43	0.67	1.44	0.68	0.99	1.31
۲۶	مازندران	2.5	1.85	1	0.74	1.52	1.37	1.85	0.38	0.52	0.77	1.04	0.99	1.25
۲۷	مرکزی	0.94	1.13	0.69	0.83	0.9	0.56	0.47	1.76	1.47	0.36	0.3	0.82	0.86
۲۸	هرمزگان	0.37	1.3	1.11	3.89	1.67	1.41	0.4	3.26	0.93	3.2	0.91	1.69	1.68
۲۹	همدان	1.78	4.56	0.65	1.68	2.17	1.18	0.46	2.13	0.83	1.48	0.58	1.11	1.64
۳۰	یزد	0.33	0.59	1.38	2.45	1.19	0.65	0.37	7.3	4.1	2.84	1.6	2.81	2

جدول ۵: شاخص تبعیض در تخصیص بودجه عمرانی و جاری دولت بر پایه ظرفیت و نیاز استانها

(سال ۱۳۹۰)

ردیف	استان	جاری / وسعت	سرمایه‌ای / وسعت	جاری / جمعیت	سرمایه‌ای / جمعیت	میانگین ظرفیت	جاری / امید به زندگی	سرمایه‌ای / امید به زندگی	جاری / بیکاری	سرمایه‌ای / بیکاری	جاری / بی سواد	سرمایه‌ای / بی سواد	میانگین نیاز	شاخص ترکیبی
۱	آذربایجان شرقی	1.48	1.29	0.84	0.73	1.09	1.32	1.15	1.08	0.94	0.71	0.62	0.97	1.03
۲	آذربایجان غربی	1.72	1.7	0.96	0.95	1.33	1.21	1.2	0.82	0.82	0.7	0.69	0.91	1.12
۳	اردبیل	1.82	1.69	1.2	1.11	1.46	0.62	0.57	0.98	0.91	0.95	0.88	0.82	1.14
۴	اصفهان	0.82	0.6	0.83	0.61	0.72	1.7	1.25	0.7	0.52	1.02	0.75	0.99	0.85
۵	البرز	5.76	5.02	0.56	0.49	2.96	0.58	0.51	0.35	0.31	0.87	0.76	0.56	1.76
۶	ایلام	1.45	1.53	2.41	2.56	1.99	0.53	0.56	1.86	1.98	2.07	2.2	1.53	1.76



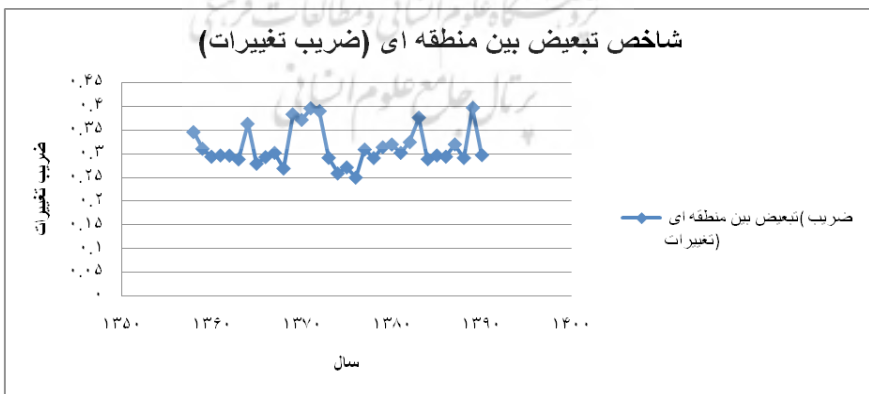
ردیف	استان	جاری / وسعت	سرمایه‌ای / وسعت	جمعیت / جاری	سرمایه‌ای / جمعیت	میانگین ظرفیت	جاری / امید به زندگی	سرمایه‌ای / امید به زندگی	جاری / بیکاری	سرمایه‌ای / بیکاری	جاری / بی سواد	سرمایه‌ای / بی سواد	میانگین نیاز	شاخص ترکیبی
۷	بوشهر	1.9	3.24	1.93	3.29	2.59	0.86	1.47	2.65	4.53	1.83	3.11	2.41	2.5
۸	تهران	10.1	4.69	0.52	0.24	3.88	2.72	1.27	0.54	0.25	0.82	0.38	1	2.44
۹	چهارمحال و بختیاری	1.81	1.74	1.52	1.47	1.63	0.54	0.52	1.42	1.37	1.33	1.29	1.08	1.36
۱۰	خراسان جنوبی	0.31	0.34	2.07	2.29	1.25	0.52	0.58	3.11	3.44	1.84	2.04	1.92	1.59
۱۱	خراسان رضوی	0.88	0.84	0.8	0.76	0.82	1.97	1.88	1.09	1.04	0.9	0.86	1.29	1.06
۱۲	خراسان شمالی	0.91	0.97	1.38	1.46	1.18	0.48	0.5	1.52	1.61	1.09	1.16	1.06	1.12
۱۳	خوزستان	1.44	3	0.94	1.96	1.84	1.79	3.72	1.21	2.51	0.89	1.85	2	1.92
۱۴	زنجان	1.49	1.6	1.47	1.58	1.53	0.65	0.69	2	2.14	1.27	1.37	1.35	1.44
۱۵	سمنان	0.33	0.22	2.34	1.53	1.1	0.6	0.39	3.31	2.17	3.02	1.98	1.91	1.51
۱۶	سیستان و بلوچستان	0.29	0.47	0.95	1.56	0.82	0.88	1.45	2.04	3.35	0.55	0.91	1.53	1.17
۱۷	فارس	0.77	0.7	0.94	0.86	0.82	1.81	1.65	0.61	0.55	1.05	0.95	1.1	0.96
۱۸	قزوین	1.84	1.57	1.1	0.94	1.36	0.56	0.48	1.02	0.87	1.05	0.9	0.81	1.09
۱۹	قم	1.91	2.25	0.88	1.04	1.52	0.44	0.52	1.13	1.33	1.01	1.19	0.94	1.23
۲۰	کردستان	1.36	1.65	1.22	1.49	1.43	0.69	0.85	1	1.21	0.84	1.03	0.94	1.18
۲۱	کرمان	0.36	0.4	1.02	1.13	0.73	1.26	1.4	1.32	1.46	0.89	0.99	1.22	0.97
۲۲	کرمانشاه	2.13	2.27	1.27	1.35	1.75	0.99	1.05	0.99	1.06	1.04	1.11	1.04	1.4
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	1.94	2.68	2.11	2.91	2.41	0.58	0.79	2.39	3.29	1.82	2.5	1.9	2.15
۲۴	گلستان	2.34	1.85	1.24	0.98	1.6	0.95	0.75	1.78	1.4	1.13	0.89	1.15	1.38
۲۵	گیلان	5.06	3.27	1.32	0.85	2.63	1.43	0.92	0.86	0.56	1.24	0.8	0.97	1.8
۲۶	لرستان	1.51	2.11	1.13	1.57	1.58	0.81	1.12	0.7	0.97	0.88	1.22	0.95	1.26
۲۷	مازندران	3.43	2.18	1.23	0.78	1.91	1.64	1.04	1.38	0.88	1.28	0.81	1.17	1.54
۲۸	مرکزی	1.23	1.03	1.17	0.98	1.1	0.7	0.58	1.26	1.05	1.09	0.91	0.93	1.02
۲۹	هرمزگان	0.65	0.73	1.35	1.51	1.06	0.85	0.95	1.96	2.19	1.3	1.45	1.45	1.25
۳۰	همدان	2.24	2.06	1.14	1.05	1.62	0.83	0.77	1.09	1	0.99	0.91	0.93	1.28
۳۱	یزد	0.29	0.18	1.61	1.02	0.78	0.73	0.46	3.66	2.32	2.04	1.3	1.75	1.26



اگر ضریب تغییرات ستون آخر جداول فوق (شاخص ترکیبی) را محاسبه کنیم، شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه‌ای) برای سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر با 0.345 و 0.297 به دست می‌آید. به همین ترتیب، برای بقیه سالهای بین ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه‌ای) محاسبه شده که نتایج آنها در جدول ۶ و نمودار ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۶: شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه‌ای) بر پایه ظرفیت و نیاز استانها

سال	تبعیض بین منطقه‌ای	سال	تبعیض بین منطقه‌ای	سال	تبعیض بین منطقه‌ای
1358	0.345	1369	0.382	1380	0.319
1359	0.31	1370	0.371	1381	0.302
1360	0.293	1371	0.395	1382	0.324
1361	0.296	1372	0.389	1383	0.375
1362	0.296	1373	0.291	1384	0.288
1363	0.288	1374	0.259	1385	0.296
1364	0.362	1375	0.271	1386	0.294
1365	0.279	1376	0.25	1387	0.319
1366	0.293	1377	0.309	1388	0.291
1367	0.302	1378	0.291	1389	0.396
1368	0.269	1379	0.313	1390	0.297



نمودار ۱: شاخص تبعیض در تخصیص بودجه عمرانی و جاری دولت بر پایه ظرفیت و نیاز استانها (۱۳۵۸-۱۳۹۰)



اگر متوسط شاخص تبعیض بین منطقه‌ای را در طول اجرای برنامه‌های توسعه کشور محاسبه کنیم:

جدول ۷: متوسط شاخص تبعیض بین منطقه‌ای در طول اجرای برنامه‌های توسعه کشور

برنامه	سالهای	متوسط شاخص تبعیض بین منطقه‌ای
اول توسعه	۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲	0.361
دوم توسعه	۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸	0.276
سوم توسعه	۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳	0.327
چهارم توسعه	۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸	0.298

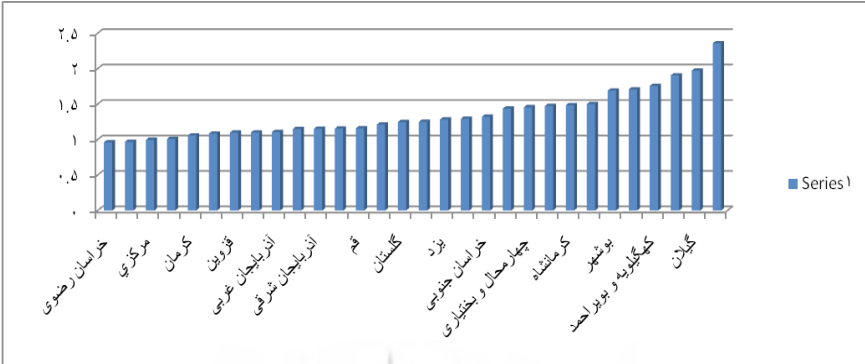
یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، در برنامه‌های توسعه کشور در سالهای پس از پیروزی انقلاب، اجرای برنامه دوم توسعه، کمترین تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای را به دنبال داشته و پس از آن، به ترتیب برنامه چهارم، سوم و اول توسعه قرار دارند. اگر متوسط شاخصهای تبعیض در تخصیص بودجه عمرانی و جاری دولت، بر پایه ظرفیت و نیاز استانها را در فاصله سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ برای هر استان به صورت مجزا محاسبه کنیم، می‌توان به نتایج مهم‌تری دست یافت:

جدول ۸: متوسط تبعیض بین استانهای کشور در توزیع بودجه دولت بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰

ردیف	استان	متوسط شاخص ترکیبی تبعیض	ردیف	استان	متوسط شاخص ترکیبی تبعیض	ردیف	استان	متوسط شاخص ترکیبی تبعیض
۱	خراسان رضوی	0.963	۱۱	آذربایجان شرقی	1.153	۲۱	چهارمحال و بختیاری	1.457
۲	سیستان و بلوچستان	0.969	۱۲	کردستان	1.156	۲۲	سمنان	1.474
۳	مرکزی	0.998	۱۳	قم	1.161	۲۳	کرمانشاه	1.485
۴	اصفهان	1.009	۱۴	همدان	1.213	۲۴	خراسان شمالی	1.502
۵	کرمان	1.059	۱۵	گلستان	1.246	۲۵	بوشهر	1.692
۶	فارس	1.084	۱۶	اردبیل	1.251	۲۶	خوزستان	1.709
۷	قزوین	1.099	۱۷	یزد	1.283	۲۷	کهگیلویه و بویراحمد	1.758



۸	زنجان	1.101	۱۸	هرمزگان	1.294	۲۸	ایلام	1.906
۹	آذربایجان غربی	1.106	۱۹	خراسان جنوبی	1.323	۲۹	گیلان	1.974
۱۰	لرستان	1.151	۲۰	مازندران	1.437	۳۰	تهران	2.358



نمودار ۴: شاخص تبیض (متوسط تبیض استانهای کشور) در تخصیص بودجه عمرانی و جاری دولت بر پایه ظرفیت و نیاز استانها (۱۳۵۸-۱۳۹۰)

بر پایه آنچه بیان شد، متوسط تبیض استانهای کشور بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ اندازه‌گیری و نتیجه آن در جدول ۸ و نمودار ۲ آورده شده است. اندازه‌های کمتر، نشان‌دهنده تبیض مستقیم یا به سخن دیگر، تبیض به زیان استان است و اندازه بیشتر این شاخصها، نشان‌دهنده تبیض غیرمستقیم یا به عبارتی، تبیض به سود استان است. یادآوری این نکته ضروری است که استان تهران به علت اینکه بسیاری از بودجه‌های ملی در آن تخصیص داده می‌شود، شاخصهای دقیقی ندارد؛ بر همین پایه، آن را در تحلیلها نادیده می‌گیریم.

چنان‌که دیده می‌شود، برخی استانها در بعضی شاخصها وضعیت بدتر و در بعضی شاخصها وضعیت بهتر دارند. دلیل آن است که استانها از نظر ظرفیتهای جمعیتی و طبیعی (وسعت) و همچنین از نظر نیازها (بیکاری، بی‌سوادی، امید به زندگی) همگن نیستند. بر همین پایه، نمی‌توان هر یک از این زیرشاخصها را به تنهایی به عنوان ملاک برای نشان دادن برخورداری از تبیض مثبت یا منفی به کار برد.

برای بهتر نشان دادن ترکیب این دو شاخص، میانگین آن دو را در نظر گرفته‌ایم. ترکیب این دو شاخص نشان می‌دهد، استانهایی که به زیان آنها بیشترین تبیض ترکیبی به کار برده شده است، به ترتیب استانهای خراسان‌رضوی، سیستان و



بلوچستان، مرکزی، اصفهان، کرمان، فارس، قزوین، زنجان و آذربایجان غربی هستند و استانهایی که به سود آنها بیشترین تبعیض به کار برده شده است، به ترتیب استانهای گیلان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، بوشهر، خراسان شمالی، کرمانشاه، سمنان، چهارمحال و بختیاری و مازندران هستند.

در اینجا یادآوری یک نکته دیگر هم به جمع‌بندی کمک می‌کند؛ برخی عوامل دیگر هم باید در اینجا ملاک باشند، مانند موقعیت ویژه برخی استانها. برای نمونه، استانهای مرزی که باید برای آنها به تناسب نیازهای امنیتی و دیگر نیازها، بودجه بیشتری در نظر گرفته شود. اگر مرزی بودن استانها را هم در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که برای استانهایی مانند خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی تبعیض منفی بیشتر و به سود استانهایی مانند سمنان و گیلان تبعیض مثبت بیشتری شده است. می‌توان مانند این عامل، عوامل دیگر را نیز وارد کرد و نتیجه‌های متناسب با شرایط دیگر را نیز به دست آورد.

نتیجه‌گیری

اجرای عدالت و در راستای آن رفع تبعیض، یکی از ضروریات مندرج در قانون اساسی و دغدغه‌های اصلی نظام می‌باشد. از سوی دیگر، وجود محرومیتها، نابسامانی‌ها، تبعیضها و بیکاری‌ها، به عنوان بخشی از عوامل زمینه‌ساز تهدیدهای نرم اقتصادی مطرح هستند. عدم موفقیت در رسیدن به هدف عدالت، می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را به‌ویژه در حوزه اقتصاد در مواجهه با نظام سلطه ناکارآمد نشان دهد؛ از این رو کالبدشکافی مفهوم تبعیض اقتصادی و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به شناخت وضعیت موجود و رصد روند تهدید مورد اشاره یاری رساند. در این تحقیق برای ارائه یک شاخص تبعیض اقتصادی در دوره زمانی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰، دو نوع شاخص تعریف شد؛ شاخص اول، شاخص تبعیض اقتصادی در هر استان؛ که سهم سالانه هر استان از بودجه جاری و سرمایه‌ای دولت بر سهم ظرفیت (جمعیت، ارزش افزوده، مساحت) و سهم نیاز (نیروی بیکار، بی‌سوادان، امید به زندگی) هر استان تقسیم گردید. میانگین مقادیر به دست آمده بالاتر از یک، نشان از تبعیض مثبت و پایین‌تر از یک، حاکی از تبعیض منفی برای استان مورد نظر می‌باشد. شاخص دوم، ضریب تغییرات میانگین ترکیبی استانها در هر سال که شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای نامیده شده و نشان از میزان تبعیض اقتصادی در کل کشور است. نتایج نشان می‌دهد



که استانهای خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، مرکزی، اصفهان، کرمان، فارس، قزوین، زنجان و آذربایجان غربی بیشترین میزان تبعیض منفی را در دریافت بودجه تجربه کرده‌اند و استانهای گیلان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، بوشهر، خراسان شمالی، کرمانشاه، سمنان، چهارمحال و بختیاری و مازندران هم شامل بیشترین تبعیض مثبت بوده‌اند. همچنین اجرای برنامه دوم توسعه، کمترین تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای را به دنبال داشته و پس از آن به ترتیب، برنامه چهارم، سوم و اول توسعه قرار دارند.

پیشنهاد‌های تحقیق

- برای رفع تبعیض بر پایه شاخصهای قانون اساسی، باید در توزیع بودجه بین استانهای کشور بازنگری شود تا توازن بهتری در تخصیص امکانات بین استانهای کشور شکل بگیرد. معیارهای نیاز به توانمندسازی، مانند آموزش، بهداشت و اشتغال (بیکاری) از بهترین معیارها بر پایه تعریفهای نو از عدالت است که باید در تخصیص بودجه بین استانها ملاک اصلی باشد. همچنین معیارهای اقتصادی ظرفیت تولید، ظرفیت منابع و ظرفیت انسانی نیز از مهم‌ترین معیارهای ظرفیت استانها هستند که می‌توانند به خوبی برای توزیع بدون تبعیض بودجه بین استانها به کار برده شوند.
- در ارائه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای و در قسمت ظرفیت مناطق، به دلیل فقدان اطلاعات ارزش افزوده قبل از سال ۱۳۷۸، این متغیر حذف گردید. با توجه به اینکه اطلاعات ارزش افزوده بعد از سال ۱۳۷۸، برای کل استانها موجود است، می‌توان با همه متغیرهای تعریف شده برای شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای، این شاخص را محاسبه نمود.
- تبعیض اقتصادی بر اساس گونه، زمینه و فضای شکل‌گیری می‌تواند در تحقیقات دیگری مورد شاخص‌سازی قرار گیرد.



منابع

۱. ابنوری، اسماعیل و نجمه غلامی (۱۳۸۸)؛ تجزیه و تحلیل متوسط جبران خدمات زنان در مقایسه با مردان در بخش صنعت ایران، پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۳۹
۲. احمدوند، محمدعلی (۱۳۸۳)؛ تأثیر بر تغییر ساختار طحوا ره تبعیض جنسیتی، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)؛ کالبدشکافی تهدید، دانشکده فرماندهی و ستاد علوم دفاعی، دانشگاه امام حسین
۴. انوری، حسن (۱۳۸۲)؛ فرهنگ فشرده سخن، انتشارات سخن، چاپ اول
۵. براتی نیا، محمود (۱۳۷۹)؛ تأثیر حقوق اتحادیه اروپا در تکامل مفهوم رفع تبعیض بین کارگر زن و مرد بر حقوق کار بریتانیا، مجله حقوقی، شماره بیست و پنجم
۶. بیانات مقام معظم رهبری از سایت: <http://farsi.khamenei.ir>
۷. جعفری، حسین و ناصر قربان نیا (۱۳۸۸)؛ زنان و حق تصدی مناصب عمومی، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۹
۸. جواهری، فاطمه و زهرا داریاپور (۱۳۸۷)؛ مشکلات شغلی زنان عضو هیئت علمی دانشگاه، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، شماره ۲۱
۹. چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی از سایت: <http://rc.majlis.ir>
۱۰. دیوب، اس.سی (۱۳۸۷)؛ نوسازی و توسعه در جستجوی قالبهای فکری بدیل، ترجمه احمد موثقی، تهران، قومس، چاپ دوم
۱۱. سفیری، خدیجه (۱۳۸۲)؛ جنسیت و تبعیض دستمزد در کانادا، فصلنامه علوم انسانی، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۵-۴۴، زمستان ۸۱ و بهار ۱۳۸۲
۱۲. سیف، الله مراد (۱۳۸۸)؛ تبارشناسی تهدیدهای نرم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۴
۱۳. شریفی طرازکوهی، حسین و عبدالله قره‌باغی (۱۳۸۹)؛ تحلیل قاعده منع تبعیض نسبت به اقلیتها در حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌الملل، سال بیست و هفتم، شماره ۴۲
۱۴. عزتی، مرتضی، لیلا شهریاری، محدثه نجفی و علی شفیع (۱۳۹۲)؛ برآورد اثر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی استانهای کشور، فصلنامه پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۳، شماره ۱۲، پاییز
۱۵. فکوهی، ناصر (۱۳۸۴)؛ سازوکار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت‌زدایی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳
۱۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سایت: <http://rc.majlis.ir>
۱۷. گروه مطالعاتی امنیت ملی (۱۳۸۷)؛ تهدیدات قدرت ملی شاخصها و ابعاد، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی



۱۸. گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی (۱۳۸۸): تهدید نرم و راهبردهای مقابله، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی
۱۹. محمودی، سیدعلی (۱۳۸۸): خودکامگی اکثریت و حقوق اقلیتها در دموکراسی لیبرال، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۲
۲۰. مصلی‌نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴): آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران، قومس
۲۱. موثقی، سیداحمد و گلپر اسفندیاری (۱۳۸۷): قاچاق انسان، بردگی در عصر جدید، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۳
22. Arnsperger, Christian(2004). **Poverty and human rights: The issue of systemic economic discrimination and some concrete proposals for reform.** International Social Science Journal 56 (180)
23. Ayres, I. (1991). **Fair driving: Gender and race discrimination in retail car negotiations.** Harvard Law Review
24. Badse,Christoffer et al (2005). **Towards Common Measures for Discrimination : Exploring possibilities for combining existing data for measuring ethnic discrimination,** Published by The Norwegian Equality and Anti-discrimination Ombud and Danish Institute of Human Rights
25. Badse,Christoffer et al (2006). **Common Measures for Discrimination II Recommendations for Improving, the Measurement of Discrimination,** Published by The Norwegian Equality and Anti-discrimination Ombud and Danish Institute of Human Rights
26. Charles, Kerwin K., and Jonathan Guryan.)2007(. **“Prejudice and the Economics of Discrimination.”** Working Paper no. 13661, NBER, Cambridge, MA
27. Council Directive 2000/43/EC of 29 June 2000 implementing the principle of equal treatment between persons irrespective of racial or ethnic origin 19/07/(2000), http://europa.eu.int/eurllex/pri/en/oj/dat/2000/l_180/l_18020000719en00220026.pdf

28. Davidson, Scott(2005). **Equality and Non-Discrimination, Defining Civil and Political Rights: The Jurisprudence of the United Nations Human Rights Committee**, Ashgate
29. Donohue, J. J. III, & Heckman, J. (1991). **Continuous versus episodic change: The impact of civil rights policy on the economic status of blacks**. Journal of Economic Literature, 29
30. Donohue, J. J. III. (1992). **Advocacy of economic instruments versus analysis in favor of ‘fair-use’ financing in discrimination law**. Stanford Law Review, 41, 1235
31. Frykman, Jonas.(2006). “ **DISCRIMINATION –A THREAT TO PUBLIC HEALTH Final report – Health and Discrimination Project** “, National Institute of Public Health
32. Glen, G. Cain (1990). “**The Uses and Limits of Statistical Analysis in Measuring Economic Discrimination.**” University of Wisconsin—Madison
33. Horta, Oscar (2010). “**Discrimination in Terms of Moral Exclusion**”, Theoria: Rutgers University/Fundacion Española para la Ciencia y la Tecnología, 76
34. Hwang, W., Sharon, G. (2008).**Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology**, Vol. 14, No. 4
35. Kenneth, A. Oye(1992). **Economic Discrimination and Political Exchange:World Political Economy in the 1930s and 1980s**
36. Kessler, Ronald C., Kristin D. Mickelson, and David R. Williams (1990). “**The Prevalence, Distribution, and Mental Health Correlates of Perceived Discrimination in the United States.**” Journal of Health and Social Behavior 40(3)
37. MacEwen, Martin (1995). **Tackling Racism in Europe. An Examination of Anti-Discrimination Law in Practice**. Oxford: Berg Publishers
38. Madina, Maan Z(1973). **Arabic-English Dictionary of the Modern Literary Language**
39. Merriam-Webster Dictionary. Merriam-Webster. 2011.





- Retrieved 24 April 2011. (<http://www.merriam-webster.com/dictionary/racism>)
40. Posner, R. A. (1995). **Economic analysis of law**. Boston: **Little, Brown and Company**. Reilly, Kevin; Kaufman, Stephen; Bodino, Angela (2003). *Racism : a global reader*. Armonk, N.Y: M.E. Sharpe
 41. Salvatore, Susan Cianci(2009). **CIVIL RIGHTS IN AMERICA: RACIAL DESEGREGATION OF PUBLIC ACCOMMODATIONS A National Historic Landmarks Theme Study**, The National Historic Landmarks Program, Cultural Resources, National Park Service, U.S. Department of the Interior, Washington, D.C
 42. Siegelman, P. (1994). **Shaky grounds: The case against the case against anti-discrimination laws**. Law and Social Inquiry, 19
 43. Wilson, F. (2003) **Organizational Behaviour and Gender** (2nd Edition), Aldershot: Ashgate

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی